



۲۷

بازخوانی دستورات رهبر شهید انقلاب درباره ممنوعیت واردات کالاهای آمریکایی

واردات کالاهای آمریکایی بلاهت یا خیانت؟

ملت مبعوث به دنبال انتقام از آمریکا؛ عبدالناصر همتی به دنبال واردات خوراک دام از آمریکا



۲۷

شریعتمداری از هلدینگ خلیج فارس برکنار شد

هیات مدیره شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، حسن عباس زاده را به عنوان مدیرعامل این هلدینگ منصوب کرد. به گزارش شانا، حسن عباس زاده بر اساس تصمیم هیات مدیره شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس در روز سه شنبه (دوم تیر) به عنوان مدیرعامل این هلدینگ منصوب و جایگزین محمد شریعتمداری شد. اعضای هیات مدیره این شرکت در پایان این نشست از زحمات دوران مدیریت محمد شریعتمداری بر هلدینگ خلیج فارس قدردانی کردند. عباس زاده تا پیش از انتصاب به عنوان مدیرعامل شرکت خلیج فارس، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی بوده است. گفتنی است چارسوق جزو معدود رسانه‌هایی بود که عملکرد شریعتمداری را مورد انتقاد قرار می داد و وزیر بار تظلمی و تهدید هم نرفت و در پرونده شکایت شریعتمداری تبرئه شده بود. در روزهای اخیر ویس از برکناری شریعتمداری، در فضای مجازی اخبار گسترده‌ای درباره تکذیب برکناری شریعتمداری منتشر شد که مشخص بود آخرین تلاش‌های باقی ماندن این مدیر ناگوار آمد در بزرگترین هلدینگ پتروشیمی ایران است. اما وزارت نفت با انتشار صورتجلسه هیات مدیره هلدینگ خلیج فارس، آب پاکی را روی دست شریعتمداری و حامیانش ریخت.



۲۷

رمزگشایی از اهانت بی سابقه وزیر ترامپ به مردم ایران

مذاکره، ادامه همان جنگ اقتصادی با طعم هویج بسنت پرده از یک واقعیت تلخ برمی دارد، در قاموس آن‌ها، جنگ و مذاکره دو لبه یک قیچی برای فلج کردن اقتصاد ایران اند. صریح می گوید که آنچه با فشار حداکثری و جنگ تحریمی نتوانستند بگیرند، حالا در پوشش مذاکره و «هویج» نشانه گرفته اند. یعنی مذاکره برایشان ابزار صلح نیست، تغییر میدان نبرد است؛ از میدان تحریم مستقیم و جنگ به میدان تظلم فریبند. آن‌ها نیامده اند توافق کنند، آمده اند کاری کنند که جنگ اقتصادی شکست خورده شان را با یک مکانیزم روانی جدید به سرانجام برسانند.



هویج نفتی، تله شکستن محور ایران و چین
لغو موقت تحریم‌های نفتی، هویجی نیست که از سرگشاده دستی جلو ایران گرفته باشند. هدف، تنفسی مصنوعی و کنترل شده برای سست کردن پیوند راهبردی ایران و چین است. تنفسی که شیر آن در دست واشنگتن است. اگر ایران اندکی زیر چتر «مجاز نفتی آمریکا» صادرات کند، واشنگتن هم زمان اهرم فشار بر یک رابری کاهش خرید نفت از ایران تیزی می کند و هم رشته اعتماد تهران-پکن را پنبه می سازد.
این «تنفس» در واقع دامی است که مسیر تپه‌وی واقعی اقتصاد ایران را نه در شرق، که در اراده یک مقام آمریکایی تعریف می کند: همان که می گوید فرد آن را «پس می گیرم». تاریخ نشان داده ملتی که متکبران را خاک نشین کرده، اهانت یک وزیر خزانه داری را به سخره می گیرد و از دل آن، نقشه واقعی آنها را رومی کند. هویجتان مسموم است آقای بسنت و ایرانی‌ها گرسنه فریب نیستند.

نگاه ارباب و برده‌ای که همیشه خاکستر شده

اظهارات بسنت همان نگاه بالا به پایینی است که در برابر ملت ایران بارها آزموده شده و هر بار با سر به صخره کوبیده شده است. چنگیز را به یاد آورید که با شمشیر آمد، اما نوادگانش شاگرد خط و فرهنگ پارسی شدند. صدام را ببینید که با تکبر، ایران را «کلنگی» خواند و آخرش در سوراخی تاریک، پریشان و بدبخت به پایان رسید. روسای جمهور پیشین آمریکا هم آرزوی زانو زدن این ملت را به گور بردند. ملت ایران ثابت کرده است هر کس با چنین نگاهی وارد شده، سرزوشتی بهتر از آن متکبران نداشته است. هویج بازی آقای بسنت، تکرار همان توهم کهنه است.

اعتراف رسمی به بدعهدی

«این یک هویج است که ما همیشه می توانیم آن را پس بگیریم». وزیر خزانه داری آمریکا بی آنکه بخواهد، دقیقاً همان چیزی را فریاد می زند که ایران سال‌هاست می گوید: وعده‌های آمریکا تضمین ندارد و هر امتیازی یک تله است. برجام یک کلاس درس تمام عیار بود؛ تحریم‌ها را لغو کردند، ایران به تعهدش عمل کرد، اما با یک امضای ترامپ همان هویج را قاپدند و تحریم‌ها را چندلایه‌تر برگرداندند. حالا خودشان می گویند «همیشه می توانیم پس بگیریم».

۲۷

هشدار قرارگاه خاتم درباره پرواز هواپیماهای اسرائیل به سمت ایران

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا^(ع) درباره پرواز هواپیماهای اسرائیل به سمت ایران هشدار داد. قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا^(ع) در بیانیه‌ای اعلام کرد: تحرکات و حضور هواپیماهای نظامی ارتش تروزیستی رژیم صهیونیستی در آسمان برخی کشورهای همسایه به سمت ایران را اقدامی خطرناک و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران می دانیم. اعلام می داریم چنانچه آمریکا قادر به مهار و کنترل رژیم صهیونیستی نباشد، جمهوری اسلامی ایران هرگونه تهدیدی را علیه خود تحمل نخواهد کرد و پاسخ به این اقدامات خطرناک را حق خود می داند.

۲۷

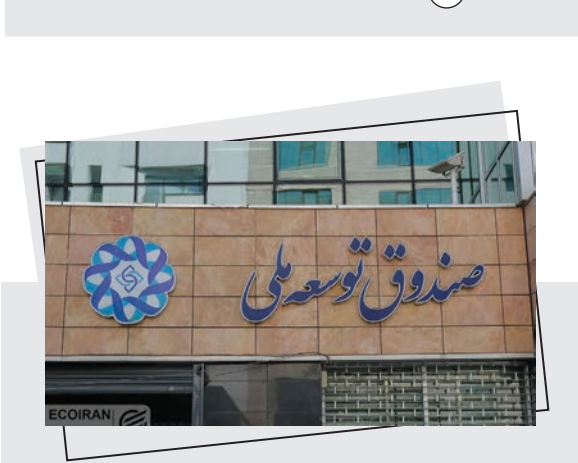
شیخ نعیم قاسم: صهیونیست‌ها باید کاملاً از خاک لبنان خارج شوند

دبیرکل حزب الله لبنان به صهیونیست‌ها درباره تداوم اشغالگری این رژیم در لبنان هشدار داد. شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله لبنان طی سخنانی در مراسم عاشورای حسینی^(ع) گفت که صحنه عاشورا نمادی تاریخی از فداکاری، بخشش و جاودانگی است، عاشورا نمایانگر یک انقلاب



برخروج کامل اشغالگران صهیونیست از خاک لبنان تاکید کرد و هشدار داد: هیچ راهی پیش روی اسرائیل وجود ندارد جز اینکه به طور کامل از تمامی خاک لبنان عقب‌نشینی کند و به تهاجم‌های هوایی، زمینی و دریایی خود پایان دهد. دبیرکل حزب الله لبنان با تاکید بر اینکه صهیونیست‌ها باید بدون هیچ قید و شرط خاک این کشور را ترک کنند، تصریح کرد که هیچ‌گونه تهدیدی علیه حاکمیت ملی لبنان پذیرفته نخواهد شد و هیچ‌کسی حق امضای توافقی که به استقلال کشور آسیب بزند را ندارد. شیخ نعیم قاسم اظهار داشت که عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی وجود نخواهد داشت و حتی حضور جزئی اشغالگران در خاک لبنان قابل قبول نیست و رژیم صهیونیستی باید با خواری و پشیمانی از لبنان خارج شود و این همان چیزی است که رخ خواهد داد. شیخ نعیم قاسم تاکید کرد: ما با جنگی روبرو شدیم که هدف آن نابودی حزب الله، محیط زیست، مردم و شهروندان لبنانی بود.

حقیقی است که ظالم را به سقوط می کشاند. دبیرکل حزب الله لبنان افزود: امسال، علیرغم آوارگی، رنج، درد، فقدان و سختی‌ها، شاهد بزرگداشت باشکوه عاشورا و حضور گسترده مردم هستیم. شیخ نعیم قاسم اظهار داشت: امانت شهدا، مجروحان و اسرا بر دوش ماست و ما از آنچه که آنها برایش فداکاری کردند، محافظت خواهیم کرد. دبیرکل حزب الله تاکید کرد: کریلا فقط در تاریخ خلاصه نمی شود؛ این حقیقی است که از گذشته تا آینده ادامه دارد. شیخ نعیم قاسم خاطر نشان کرد: علی‌رغم تجاوز دشمن صهیونیستی، ایران ایستادگی کرد و توانست بایستد و مقاومت کند. دبیرکل حزب الله لبنان با تاکید بر اینکه «امروز ایران آینده منطقه را می سازد» افزود: ایران توانست به تفاهم‌نامه دست یابد و این اعلام رسمی شکست آمریکا و اسرائیل است. شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله لبنان بر موضع این جنبش مبنی



ضرورت رابطه مالی بانک توسعه با صندوق توسعه ملی و منابع دولتی

امیرحسین محبی کیا

بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به مقیاس اثرگذار، نیازمند رابطه‌های روشن و پایدار با صندوق توسعه ملی و بودجه دولت است. تجربیات بررسی شده نشان می دهد که منابع پایدار در بانکداری توسعه‌ای تنها با اتکا به سپرده شکل نمی گیرد و به پیوند نهادی با منابع بلندمدت نیاز دارد. صندوق توسعه ملی می تواند شریک راهبردی بانک توسعه در تخصص حرفه‌ای، هدفمند و بازگشت‌پذیر منابع توسعه‌ای باشد. منابع حاصل از بودجه دولت نیز می تواند عبور بانک از مقیاس کوچک و تثبیت نقش آن در تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای را تسهیل نماید.

صندوق توسعه ملی؛ شریک راهبردی بانک توسعه

یکی از مهم‌ترین منابع قابل اتکا برای بانک توسعه، منابع صندوق های سیاسی است. تجربه بانک توسعه اقتصادی و اجتماعی برزیل نشان داد که شکل‌گیری رابطه بلندمدت میان یک بانک توسعه‌ای و یک صندوق سیاسی می تواند پشتوانه‌ای پایدار برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای ایجاد کند. در ایران نیز صندوق هایی مانند صندوق نوآوری و شکوفایی که سالانه نیم درصد از بودجه عمومی به آن اختصاص دارد، منابع قابل توجهی برای همکاری با بانک توسعه در بلندمدت دارند؛ اما از نظر اندازه، مأموریت و ماهیت، مهم‌ترین گزینه در این زمینه صندوق توسعه ملی است. صندوق توسعه ملی بزرگترین و مهم‌ترین صندوق توسعه‌ای کشور است که درصد معینی از منابع ارزی حاصل از فروش نفت و گاز کشور به این صندوق واریزی می شود. به همین دلیل، این صندوق تنها نهادی است که می تواند نقشی مشابه صندوق حمایت از کارگران برزیل در تأمین مالی بلندمدت بانک توسعه ایفا کند. بر این اساس، بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران باید به شریک اصلی و بازوی عملیاتی صندوق در تخصیص منابع تبدیل شود؛ این شراکت هم توان تسهیلات دهی بانک را تقویت می کند و هم امکان تخصیص حرفه‌ای تر و هدفمندتر منابع صندوق را فراهم می آورد.

بانک توسعه بازوی عملیاتی صندوق توسعه ملی

یکی از چالش‌های جدی صندوق توسعه ملی، نحوه تخصیص و بازگشت منابع آن است. گزارش سیزده‌سالگی صندوق نشان داده است که نسبت مطالبات غیرجاری آن به حدود ۴۰ درصد رسیده است؛ رقمی که از ضعف سازوکارهای تخصیص، نظارت و بازگشت منابع حکایت دارد. این وضعیت نشان می دهد که برای مدیریت منابع توسعه‌ای کشور، به‌ویژه منابع صندوق، طراحی سازوکارهای کامدت‌تر و حرفه‌ای تر ضروری است. بانک توسعه به عنوان نهاد تخصصی تأمین مالی توسعه‌ای می تواند این خلأ را تا حد زیادی برطرف کند. از سوی دیگر، طبق ماده ۵۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، ۲۰ درصد از منابع صندوق توسعه ملی به صورت ریالی در شبکه بانکی سپرده‌گذاری می شود. در شرایط جهش‌های مکرر نرخ ارز، سپرده‌گذاری گسترده و پراکنده این منابع ارزی در قالب سپرده‌های ریالی از سویی موجب کاهش ارزش واقعی و کاهش بازدهی دارایی‌های صندوق می شود و از سوی دیگر موجب بهره‌مندی برخی بانک‌ها از این سپرده‌های بلندمدت بدون التزام کافی به اهداف توسعه‌ای کشور نیز شده است؛ بنابراین، به جای توزیع پراکنده این سپرده‌ها در شبکه بانکی، می توان سازوکار طراحی کرد که این منابع تحت مدیریت یکپارچه، هدفمند و توسعه‌محور بانک توسعه جمهوری اسلامی قرار گیرد و به پروژه‌های پیشران، بانک پذیر [۱] و دارای توجیه اقتصادی اختصاص یابد.

نقش منابع بودجه‌ای در تسرع دستیابی بانک توسعه به مقیاس مطلوب

در سال‌های ابتدایی تأسیس بانک توسعه نمی توان انتظار داشت منابع صندوق‌های سیاسی با منابع حاصل از انتشار اوراق به‌تنهایی بانک را به مقیاس مطلوب برسانند. بانک تازه‌تأسیس اگر با منابع محدود آغاز کند، توان اثرگذاری آن در اقتصاد پایین می ماند و نمی تواند در تأمین مالی پروژه‌های بزرگ مقیاس، طرح‌های توسعه‌ای و تملک دارایی سرمایه‌ای دولتی نقش مؤثری ایفا کند. به همین دلیل منابع بودجه‌ای دولت می تواند حمایت قابل توجهی از جریان نقد بانک داشته باشد.

نروم‌تثبیت رابطه مالی دولت و بانک توسعه در قوانین مرتبط

یکی از چالش‌های بانک‌های دولتی به خصوص بانک‌های تخصصی در ایران، عدم تناسب میان مأموریت‌های محول‌شده و منابع اختصاصی یافته بوده است. یکی از ابعاد مهم رابطه مالی دولت با بانک‌های دولتی، موضوع افزایش سرمایه است. تجربه بانک‌های تخصصی فعلی نشان می دهد که در بسیاری از موارد، مأموریت‌های توسعه‌ای این بانک‌ها با سرمایه در اختیار آن‌ها تناسب نداشته است. برای نمونه، بانک صنعت و معدن در دوره‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ کمتر از ۶۰ همت در سال ۱۴۰۱ رسیده آن از حدود ۲ همت در سال ۱۳۸۶ به کمتر از ۱ همت در سال ۱۴۰۱ رسیده است؛ رقمی که با توجه به تورم، رشد نیازهای سرمایه‌گذاری و حجم تسهیلات مورد انتظار بخش صنعت، بسیار محدود است.

برای جلوگیری از این وضعیت، رابطه مالی دولت و بانک توسعه باید در قانون، اساسنامه یا ترتیبات بودجه‌ای پایدار تثبیت شود. یک گزینه آن است که درصد مشخصی از بودجه عمرانی دولت به‌صورت سالانه در اختیار بانک قرار گیرد تا پروژه‌های بانک‌پذیر دولت از این مسیر تأمین مالی شوند. همچنین مناسب است درصد مشخصی از برخی ردیف‌های درآمدی دولت — به‌ویژه آن دسته که به شکل منظم و سالانه متناسب با تورم افزایش می یابد— به بانک توسعه تخصیص یابد تا وابستگی این بانک به تغییرات مدیریتی و تصمیم‌های مقطعی یافته و ثبات منابع آن تضمین شود. همچنین باید جهت تضمین افزایش سرمایه متناسب، اساسنامه بانک توسعه، دولت را مکلف کند که سرمایه بانک را به‌صورت سالانه و متناسب با رشد اسمی تولید ناخالص داخلی افزایش دهد.

در مجموع، بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به مقیاس اثرگذار باید از همه گزینه‌هایی که پایداریت تجهیز منابع آن را تضمین می کنند، بهره‌مند گردد. این بانک باید از ابتدا با رابطه‌ای روشن، بلندمدت و توسعه‌محور به صندوق توسعه ملی و بودجه دولت متصل شود. صندوق توسعه ملی می تواند شریک راهبردی و بلندمدت بانک باشد و بودجه دولت نیز ضمن فراهم کردن شرایط برای رسیدن به مقیاس اولیه مطلوب از دیگر منابعی است که به پایداری بلندمدت تجهیز منابع بانک بسیار کمک می کنند، یادداشت بعدی، نقش حمایت‌های بانک مرکزی در آینده بانک توسعه، از مسیر خطوط اعتباری هدفمند و عملیات بازار باز، بررسی خواهد شد.

بنیض اقتصاد رادر دست بگیرید



Charsogh newspaper

■ شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۹۲



بازخوانی دستورات رهبر شهید انقلاب درباره ممنوعیت واردات کالاهای آمریکایی

واردات کالاهای آمریکایی بلاهت یا خیانت؟

ملت مبعوث به دنبال انتقام از آمریکا؛ عبدالناصر همتی به دنبال واردات خوراک دام از آمریکا

گزارش

در حالی که در روزهای اخیر شایعاتی مطرح شد مبنی بر اینکه در جریان مذاکرات هیات اعزامی دولت پزشکیان با دولت ترامپ قرار شده بخش‌سی از پول‌های بلوکه‌شده ایران صرف واردات محصولات کشاورزی از آمریکا همچون خوراک دام مثل عولفه و ذرت و گندم شود، اما رهبر شهید انقلاب بارها هرگونه

واردات کالاهای مصرفی آمریکایی را ممنوع کرده بودند. مقامات آمریکایی صراحتاً اعلام کرده‌اند که پول‌های بلوکه‌شده ایران را فقط برای واردات محصولات کشاورزی از آمریکا آزاد خواهند کرد. تیم مذاکراتی دولت پزشکیان به این ادعاها واکنش نشان داده‌اند اما قطعانه آن را تکذیب نکرده و تویوچا گفته‌اند که خرید محصولات کشاورزی از آمریکا هم یک گزینه خواهد بود و هیچ انحصاری در این زمینه وجود نخواهد داشت. مثلاً عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی پزشکیان، که عضو هیات

۶ بار افزایش قیمت ایران خودرو در ۹ ماه



عنوان می کردند، طی ماه‌های اخیر روند بازار ارز برخلاف این ادعاها بوده است.

بررسی بازار نشان می دهد نرخ ارز در بازار غیررسمی نسبت به ماه‌های گذشته کاهش یافته و از قله‌های قبلی فاصله گرفته است. از سوی دیگر نرخ ارز مبنای واردات و تأمین مواد اولیه نیز روند نزولی داشته است. بر اساس آخرین آمارها، نرخ ارز توافق‌ی و رسمی که مبنای بسیاری از معاملات تجاری و تأمین قطعات محسوب می شود، حدود سه هزار تومان کاهش یافته و به محدوده ۱۴۵ هزار تومان رسیده است. همچنین فاصله نرخ ارز رسمی با بازار آزاد نیز حدود ۵ درصد کاهش یافته که یکی از کمترین سطوح سال‌های اخیر محسوب می شود. این مسئله باعث شده استلال افزایش قیمت خودرو به دلیل جهش نرخ ارز، دست‌کم در شرایط فعلی با تردیدهای جدی روبه‌رو شود.

بهبانه کمبود مواد اولیه نیز رنگ باخته است

در کنار موضوع ارز، یکی دیگر از دلایلی که طی ماه‌های گذشته برای افزایش قیمت خودرو مطرح می شد، اختلال در تأمین مواد اولیه و به‌ویژه فولاد بود. با این حال فعالان بازار سرمایه و کارشناسان صنعت معتقدند این استدلال نیز در شرایط فعلی قابل اتکانیست. پس از بازگشت کامل واحدهای فولادی به مدار تولید و رفع محدودیت‌های عرضه، بازار فولاد کشور به وضعیت باثبات‌تری رسیده است. بررسی معاملات اخیر بورس کالا نشان می دهد بخش عمده‌ورق‌های فولادی عرضه‌شده با قیمت پایه معامله شده‌اند و حتی در بسیاری از عرضه‌ها، مزاد عرضه نیز مشاهده شده است. به بیان دیگر، نه فقط خبری از رقابت سنگین برای خرید ورق فولادی نبوده، بلکه میزان عرضه در برخی مقاطع از تقاضا نیز پیشی گرفته است. این وضعیت نشان می دهد فشار ناشی از کمبود مواد اولیه که در مقطعی به عنوان یکی از عوامل رشد قیمت خودرو مطرح می شد، دست‌کم در شرایط فعلی نمی تواند توجیه‌کننده افزایش‌های سنگین اخیر باشد.

خصوصی سازی؛ وعده کاهش هزینه‌ها افزایش قیمت؟

افزایش‌های اخیر از یک جهت دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است. طی سال‌های گذشته مدافعان خصوصی سازی صنعت خودرو همواره تاکید داشتند که بخش مهمی از مشکلات این



بازار مسکن رابانک‌هاو کمبود زمین به بن بست کشانده است

یک کارشناس بازار مسکن با نقد شیوه قیمت‌گذاری در بازار مسکن و عدم اجرای کامل قوانین حمایتی گفت: بازار مسکن در ایران از یک نظام کارشناسی و استاندارد قیمت‌گذاری برخوردار نیست و همین مسئله در کنار کمبود عرضه، ضعف تأمین مالی و عملکرد بانک‌ها، موجب شده قیمت‌ها با هر شوک اقتصادی و سیاسی افزایش پیدا کند. مجید گودرزی، کارشناس بازار مسکن درباره دلایل بی ثباتی بازار مسکن و افزایش مستمر قیمت‌ها اظهار کرد: بازار مسکن در ایران عملاً به مجموعه‌ای از رفتارهای خودسرانه تبدیل شده و برای ایجاد ثبات در این بازار باید اصلاحات اساسی صورت گیرد. مهم‌ترین اقدام این است که قیمت‌گذاری از اراده مستقیم خریداران و فروشندگان یا مالکان و مستأجران خارج شده و بر مبنای معیارهای کارشناسی و استاندارد انجام شود.

وی افزود: یکی از موضوعات مهمی که باید در بازار مسکن مورد توجه قرار گیرد، اجرای قانون «بهای تمام‌شده تاریخی» است. در حال حاضر بسیاری از واحدهای مسکونی که سال‌ها قبل با هزینه‌های بسیار پایین‌تر ساخته شده‌اند، متناسب با هر شوک اقتصادی یا تغییر شاخص‌های اقتصادی و افزایش قیمت‌مواجه می شوند؛ در حالی که امربنا قیمت‌گذاری به سمت بهای تمام‌شده واقعی و تاریخی حرکت کند، امکان جهش‌های غیرمنطقی قیمت‌ت‌حد زیادی محدود خواهد شد. این کارشناس بازار مسکن با اشاره به عدم تعادل میان عرضه و تقاضا گفت: در کشور حدود هفت میلیون خانوار فاقد مسکن ملکی و مستأجر وجود دارند. در چنین شرایطی انتظار می رود دولت به تعهدات خود در حوزه واگذاری زمین رایگان در قالب طرح‌هایی مانند قانون جهش تولید مسکن و قانون حمایت از خانه‌واده و جوانی جمعیت عمل کند اما متأسفانه در این زمینه عملکرد مطلوبی مشاهده نمی شود. گودرزی درباره تناسب وام‌های مسکن با قیمت‌های فعلی بازار اظهار داشت: بخش قابل توجهی از تسهیلات مصوب حوزه مسکن در عمل پرداخت نمی‌شود و همین موضوع بحران تأمین مالی در بازار مسکن را تشدید کرده است.

بانک‌ها نباید رقب مردم باشند

وی با انتقاد از عملکرد برخی بانک‌ها در بازار مسکن تصریح کرد: بانک‌ها نباید در بازار نیازهای اساسی مردم از جمله مسکن به عنوان بازیگر اقتصادی و رقیب مردم حضور داشته باشند. ورود بانک‌ها به خرید، نگهداری و انباشت دارایی‌های ملکی موجب ایجاد اختلال در بازار و افزایش قیمت‌ها می‌شود؛ موضوعی که در بسیاری از کشورهای جهان سال‌هاست محدود یا ممنوع شده است. این کارشناس بازار مسکن مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر قیمت مسکن را در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد و گفت: نخستین عامل، ضعف قوانین و نبود ضمانت اجرایی کافی برای قوانین موجود است. عامل دوم به نظام بانکی و تأمین مالی بانمی برده‌د جایی که نه فقط تسهیلات بانک‌ها باید از همه گزینه‌هایی که پایداریت تجهیز منابع آن را تضمین می کنند، بهره‌مند گردد. این بانک باید از ابتدا با رابطه‌ای روشن، بلندمدت و توسعه‌محور به صندوق توسعه ملی و بودجه دولت متصل شود. صندوق توسعه ملی می تواند شریک راهبردی و بلندمدت بانک باشد و بودجه دولت نیز ضمن فراهم کردن شرایط برای رسیدن به مقیاس اولیه مطلوب از دیگر منابعی است که به پایداری بلندمدت تجهیز منابع بانک بسیار کمک می کنند، یادداشت بعدی، نقش حمایت‌های بانک مرکزی در آینده بانک توسعه، از مسیر خطوط اعتباری هدفمند و عملیات بازار باز، بررسی خواهد شد.

می کرده و چه بهتر که اکنون به طور مستقیم از رژیم ترامپ خریداری کنیم.

در زمینه واردات محصولات کشاورزی از آمریکا باید توجه کرد که هم‌اکنون می‌توان این محصولات را از روسیه تأمین کرد که متحد استراتژیک کشورمان است. بنابراین برخلاف شانتاز جریان غرب‌زده، هیچ اجباری به واردات از آمریکا نیست.

چرانباید از امریکا کالاهای مصرفی خرید؟

هرچند منطق عدم واردات کالاهای مصرفی از آمریکا که آن همه جنایت علیه مردم ایران انجام داده، آنقدر قوی هست که نباید نیازی به قانون و دستور داشته باشد، اما از آنجا که جریان غرب‌زده در ایران شدیداً آسوخ افکار آمریکایی است واز هر فرصتی برای واردات کالاهای آمریکایی استفاده می‌کند، گاهی جز با قانون و دستور نمی‌توان جلوی این بلاهت‌های اقتصادی را گرفت؛ البته بهتر است این کار را خیانت اقتصادی نامید.

در وقایع دهه ۹۰ که جریان اصلاح طلب در دولت حسن روحانی همه‌کاره اقتصاد کشور بودند نیز شاهد این بلاهت یا خیانت اقتصادی بودیم که حتی بحث تشکیل اتاق مشترک بازرگانی ایران و آمریکا نیز پیگیری می‌شد. تلاش برای واردات کالاهای آمریکایی پس از برجام شدت گرفت و ذوق‌زدگان رابطه با آمریکا می‌خواستند با واردات کالاهای مصرفی از آمریکا حسن نیت خود به دولت آمریکا را نشان دهند و به اصطلاح اینگونه القا کنند که انقلاب اسلامی ایران دچار دگرذیسی شده و دیگر دشمنی با آمریکا معنا ندارد؛ اما همان زمان، رهبر شهید انقلاب با دستورات مستقیم جلوی این تصمیمات اقتصادی را گرفت. رهبر شهید انقلاب، ۲۹ مهر ۱۳۹۴ در نامه‌ای به حسن روحانی الزامات گانه‌ای در اجرای برجام را بیان کردند. یکی از مواردی که ایشان دولت روحانی را از آن نمی‌کردند واردات هرگونه کالای مصرفی از آمریکا بود: "مراقبت فرمایید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریم‌ها، به واردات بی رویه نیجامد، و بخصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا جداً پرهیز شود."

در اردیبهشت ۱۳۹۵ هم رهبر شهید نسبت به واردات خودروهای آمریکایی هشدار دادند و گفتند: من نمی‌دانم این قفیه واردات خودروهای آمریکایی چیست که حالا سرزبان‌ها افتاده و بعضی‌ها می‌گویند. خودروهای آمریکایی را خود آمریکایی‌ها مصرف نمی‌کردند؛ این در مطبوعات آمریکایی‌ها منعکس شد و ما دیدیم؛ می‌گفتند مصرفش زیاد است، سنگین است. مثلاً فرض کنید ما، از [محصول افلان کارخانه خودروسازی روبه ورشکستگی آمریکا استفاده کنیم؛ آن‌هم آمریکا! جلوی اینها بایستی به‌طور جدی ایستاد. چه کسی پایستد؟ خود مسئولین، خود وزرای محترم، من میدانم که افراد می‌هستند، از پشت فشار می‌آورند منفعت دارند، سود دارند، [لذا] فشار می‌آورند-جلوی این فشارها بایستند، قبول نکنند.

در شهریور ۱۳۹۹ نیز رهبر شهید انقلاب نسبت به واردات کالاهای لوکس از آمریکا هشدار دادند و گفتند: واردات بی‌رویه چیز خطرناک و مهمی است. گاهی این واردات، واردات لوکس است یعنی هیچ نیاز بهش نیست؛ شنیدم که برای واردات یک نوع گوشی لوکس آمریکایی در سال ۹۸ حدود نیم میلیارد دلار مصرف شده. البته بخش خصوصی این کار را می‌کند، منتها دولت بایستی جلوی این را بگیرد.



جنگ ایران شبکه برق آسه‌آن را از پروژه سبز به ضرورت امنیتی تبدیل کرد

جنگ ایران و اختلال در مسیره‌های انرژی از جمله تنگه هرمز، آسیب‌پذیری کشورهای جنوب شرقی آسیا در برابر واردات نفت را آشکار کرد. این بحران، طرح شبکه برق آسه‌آن که سال‌ها پیشتر در چارچوب گذار انرژی و کربن‌زدایی دیده می‌شد، به مسئله‌ای امنیتی تبدیل کرده است. با وجود این، تحقق این شبکه با موانع بزرگی روبه‌روست؛ از نیاز به ۲۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در اتصالات فرامرزی تا نبود نهاد تنظیم‌گر منطقه‌ای، بی‌اعتمادی سیاسی، اختلاف مقررات ملی ودشواری فنی کابل‌های زیردریایی؛ بنابراین شبکه برق سراسری می‌تواند بخشی از پاسخ بلندمدت آسه‌آن به بحران انرژی باشد، اما نه راه‌حلی فوری و نه پروژه‌ای آسان.

به گزارش مسیرا اقتصاد، جنگ اخیر علیه ایران از روی شبکه برق آسه‌آن راه به اولویت فوری در راستای امنیت انرژی تبدیل کرده است. هرچند این جنگ باعث فشار اقتصادی فوری شده، اما شتاب سیاسی لازم برای تسریع ادغام انرژی منطقه‌ای را نیز فراهم کرده است. بحران تنگه هرمز، تأثیرات مستقیم و مخربی بر اقتصادهای جنوب شرقی آسیا داشته است. بیش از ۵۰ درصد از نفت خام و مقادیر قابل توجهی از گاز طبیعی کشورهای عضو آسه‌آن معمولاً از تنگه هرمز ترانزیت می‌شود. علاوه بر این، آسیب به تأسیسات منطقه‌ای و توقف کشتیرانی باعث شده است که قیمت‌های لحظه‌ای LNG بیش از دو برابر شود.

بیامدای بحران تنگه هرمز بر امنیت انرژی آسه‌آن

کشورهای عضو آسه‌آن شش‌ده‌ای به واردات غرب آسیا وابسته هستند، برای نمونه فیلیپین ۹۰ درصد نفت خود را از این منطقه تأمین می‌کند. چندین کشور، از جمله کامبوج، لاوس، میانمار و تایلند، کمبود موقت سوخت و جیره‌بندی را تجربه کرده‌اند. در مجموع، افزایش هزینه‌های انرژی باعث تشدید هزینه‌های عملیاتی و حمل‌ونقل در سراسر منطقه شده، انرژی محلی را تضعیف و بودجه دولت را تحت فشار قرار داده است. قیمت بالای انرژی و تضعیف انرژی منطقه‌ای مانند بات تایلند و روپیه اندونزی، بودجه‌های ملی را نیز تحت فشار قرار داده و با ایجاد «تنگناهای» سرمایه‌گذاری، به طور بالقوه ساخت کابل‌های زیردریایی و خطوط انتقال نیازمند سرمایه‌گذاری کلان را گند کرده است. شوک انرژی و افزایش قیمت نفت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه، کشورهای عضو را مجبور کرد تا تجارت برق فرامرزی را به عنوان مانعی در برابر گلوگاه‌های دریایی مانند تنگه هرمز مورد بازنگری قرار دهند. این درگیری به دلیل وابستگی زیاد به نفت و گاز طبیعی مایع غرب آسیا، بحران شدید انرژی ایجاد کرده و کشورهای جنوب شرقی آسیا را مجبور به ارزیابی مجدد امنیت انرژی خود و تسریع پروژه‌های زیرساختی بلندمدت کرده است. جنگ ایران نیاز مبرم به یک شبکه انرژی متصل را تشدید و شبکه برق آسه‌آن را به عنوان یک راهبرد حیاتی بلندمدت برای امنیت انرژی دوباره در کانون توجه قرار داده است. این جنگ، استدلال ایجاد یک سیستم انرژی منطقه‌ای، خودکفا و متنوع را تقویت کرده است.

تأثیرات کلیدی بر توسعه شبکه برق آسه‌آن

شبکه برق آسه‌آن با هدف تأمین تقاضای فراینده برق ناشی از صنعتی شدن سریع و مراکز داده، دستیابی به امنیت انرژی بلندمدت و انرژی تجدیدپذیر مقرون‌به‌صرفه در سراسر آسیای جنوب شرقی را ایجاد شده است. از همین روی، تحول راهبردی روی داده است و دیگر صرفاً به عنوان یک پروژه کربن‌زدایی «سبز» دیده نمی‌شود؛ زیرا اکنون به عنوان ابزاری حیاتی برای امنیت انرژی سخت در راستای کاهش وابستگی ۵۶درصدی منطقه به نفت خام غرب آسیا، مورد بازنگری قرار گرفته است. جنگ ایران، حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را تسریع کرده است، زیرا وابستگی به سوخت‌های فسیلی از نظر اقتصادی و امنیتی متزلزل شده است. در این راستا، طرح به عنوان جزء حیاتی برای ادغام ظرفیت تجدیدپذیر جدید در شبکه منطقه‌ای عمل می‌کند. هرچند نیاز به ایجاد شبکه برق اهمیت بالایی پیدا کرده است، اما فشار مالی ناشی از بحران انرژی منجر به افزایش هزینه‌های واردات، افزایش یارانه‌ها و کاهش ارزش پول شده است که احتمالاً تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی کلان و سرمایه‌برمانند را در کوتاه‌مدت چالش‌برانگیزتر کند. با این حال، توسعه به دلیل چگونگی نظارتی، کسری‌های بزرگ مالی، بی‌اعتمادی سیاسی و موانع فنی پیچیده با مشکل مواجه است. هرچند اهداف منطقه‌ای، ایجاد یک شبکه تجاری یکپارچه و چند جانبه را هدف قرار می‌دهند، اما این گذار مستلزم همسوسازی زیرساخت‌های ملی متنوع و غلبه بر موانع نهادی عمیق است.

از موانع سیاسی و اقتصادی تا چالش‌های فنی و زیرساختی

نبود یک نهاد مرکزی و فراگیر با اختیار وضع یا اجرای قوانین ویژه بازار، منجر به فقدان هماهنگی منطقه‌ای و اقتدار اجرایی برای شده است. تصمیمات نهایی در مورد قوانین انتقال، قیمت‌گذاری و حل اختلاف همچنان بر عهده دولت‌های ملی است. ناپایداری سیاست‌ها، توسعه زیرساخت‌های فرامرزی تصعیف می‌کند که این امر به دلیل تغییرات مکرر در سیاست‌های انرژی داخلی و رهبری سیاسی است و می‌تواند پروژه‌های بلندمدت را متوقف کند. از همین روی، اعتماد منطقه‌ای به توسعه از بین رفته است، زیرا برخی از کشورهای عضو نگرانند که تکیه بر کشورهای همسایه در حوزه انرژی، تهدیدهای امنیتی را به همراه داشته باشد. علاوه بر این، اختلافات ژئوپلیتیکی یا تعرفه‌های داخلی می‌تواند تردید در وابستگی کامل به صادرات منطقه‌ای را افزایش دهد. تحقق کامل چشم‌انداز به میلیارد دلار سرمایه‌نیاز دارد. آژانس بین‌المللی انرژی نیاز به تقریباً ۲۷ میلیارد دلار برای ساخت اتصالات لازم در یک دوره ۱۵ ساله را تخمین زده که بسیار فراتر از سرمایه‌گذاری تاریخ است. تأمین کنندگان مالی بخش خصوصی نیز به دلیل ساختارهای مالکیت نامشخص، عدم قطعیت نظارتی و فقدان توافق نامه‌های تضمین شده خرید برق، در حمایت از پروژه‌های بزرگ در مراحل اولیه تردید دارند.

بسیاری از اتصالات آینده به کابل‌های زیر دریا در آب‌های عمیق متکی هستند. این فناوری بسیار گران است و نیاز به تخصص و نصب تخصصی دارد. همچنین، ادغام منابع انرژی تجدیدپذیر مختلف نیاز به هوش شبکه پیشرفته دارد. کشورهای عضو آسه‌آن با سهم بالای انرژی‌های تجدیدپذیر متغیر با مشکلاتی مانند ترانک انتقال، خطاهای پیش‌بینی و اینترسی‌پاین سیستم دست و پنجه نرم می‌کنند. ایجاد تعادل بین مازاد و کمبود فصلی برق در کشورهای مختلف بدون سیستم‌های نظارتی پیش‌بینی‌کننده وسیع، تهدیدی دائمی برای پایداری برق پایه محسوب می‌شود.

Charsogh newspaper

■ شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۹۲

نبض اقتصاد

را در دست بگیرید



سیاست نرخ بهره؛ اهرم مهار تورم یا ترمز بازار سرمایه؟

گزارش

نرخ بهره و سود بانکی اصلی‌ترین ابزار بانک مرکزی برای کنترل وضعیت اقتصادی کشور است، تنظیم درست این نرخ می‌تواند اقدام بانک مرکزی برای بالا بردن نرخ بهره به منظور سیگنال دهی انقباضی به بازار و افزایش هزینه استقراض انجام می‌شود.

این اقدام با هدف کاهش تقاضای سفته‌بازانه در بازارهای طلا، ارز و مسکن صورت می‌گیرد و نقدینگی را درون سیستم بانکی قفل می‌کند تا سیاست‌گذار بتواند زمان لازم را برای اجرای اصلاحات ساختاری عمیق‌تر اقتصادی به دست آورد. با این حال تحلیلگران پولی بر این نکته تأکید دارند که افزایش نرخ بهره هرچند برای مهار موج‌های تورمی کوتاه‌مدت حیاتی است اما خرید سپرده‌گذار جلوگیری شده و جذابیت حفظ راز افزایش یابد. این مکانیزم با هدف تبدیل پول‌های سرگردان به سپرده‌بلندمدت و در نتیجه کاهش سرعت گردش پول در جامعه طراحی می‌شود تا از این طریق فشار تقاضا بر سطح عمومی قیمت‌ها کنترل شود.

ابعاد مداخله و میزان ضرورت اقدام پولی

ارزیابی شرایط رکود تورمی نشان می‌دهد که دستکاری و افزایش

نرخ سود بانکی نه یک انتخاب لوکس، بلکه یک ضرورت گریزناپذیر در کوتاه‌مدت برای مهار انتظارات تورمی افسارگسیخته است. هنگامی که کانال‌های انتظاراتی جامعه فعال می‌شود، سرعت تبدیل نقدینگی به کالا و دارایی‌های باثبات افزایش می‌یابد که این امر خود سوخت جدیدی به تورم تزریق می‌کند. در چنین بستری اقدام بانک مرکزی برای بالا بردن نرخ بهره به منظور سیگنال دهی انقباضی به بازار و افزایش هزینه استقراض انجام می‌شود.

این اقدام با هدف کاهش تقاضای سفته‌بازانه در بازارهای طلا، ارز و مسکن صورت می‌گیرد و نقدینگی را درون سیستم بانکی قفل می‌کند تا سیاست‌گذار بتواند زمان لازم را برای اجرای اصلاحات ساختاری عمیق‌تر اقتصادی به دست آورد. با این حال تحلیلگران پولی بر این نکته تأکید دارند که افزایش نرخ بهره هرچند برای مهار موج‌های تورمی کوتاه‌مدت حیاتی است اما خرید سپرده‌گذار جلوگیری شده و جذابیت حفظ راز افزایش یابد. این مکانیزم با هدف تبدیل پول‌های سرگردان به سپرده‌بلندمدت و در نتیجه کاهش سرعت گردش پول در جامعه طراحی می‌شود تا از این طریق فشار تقاضا بر سطح عمومی قیمت‌ها کنترل شود.

بیامدای نرخ سود بر روند بازار بورس

رابطه بورس و سود بانکی معمولاً شبیه به دو کفه ترازو است؛ یعنی وقتی یکی بالا می‌رود، دیگری پایین می‌آید و این دو بازار

سرمایه اجتماعی پسا جنگ در خدمت تکمیل زیرساخت‌ها



توجه به سازوکار نامناسب آن به بدهی دولت به بانک‌ها تبدیل می‌شد و در سرفصل مطالبات معوق قرار می‌گرفت. در همین راستا، با توجه به پرزنگ‌تر شدن امر ملی و میهنی بعد از جنگ رمضان می‌توان با طراحی جدیدی از اوراق مشارکت، ابزاری را ارائه کرد که هم روش تأمین مالی کارآمدی را متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی جدید ارائه کرد. در طراحی شرایط اوراق مشارکت و عرضه آن به مردم، باید چند مسئله مورد توجه قرار گیرد. طراحی این اوراق باید هم نفع مردم و هم دولت را در پی داشته باشد. جامعه هدف این اوراق باید عموم مردم باشند به‌طوری‌که خریداری اوراق توسط تعداد بیشتری از مردم باشد.

چون نوع طرح‌های عمرانی تأمین مالی شوند؟

مسئله مهم دیگر، شناسایی طرح‌های عمرانی برای تأمین مالی به روش حمل‌ونقلی و کریدوری، بدون آسیب رسیدن به ترازنامه سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی، وزارت راه و شهرسازی و وزارت نیرو ذیل ستاد بازاریابی، چند طرح ملی که دارای بیشترین اثربخشی برای کشور است و با تأمین مالی عمومی در دوره زمانی یک یا حداکثر دو ساله به بهره‌برداری می‌رسد، شناسایی و به عموم مردم معرفی شود. این طرح‌ها می‌توانند طرح‌های ملی نیمه‌تمام باشند که با تزریق اعتبار در مدت یک یا دو سال به اتمام خواهند رسید. قید حداکثر دو سال مربوط به تجربه‌های اولیه این برنامه است و در مراحل بعدی می‌توان طرح‌های دیگری را تأمین مالی کرد که دوره ساخت آن بیش از این باشد. یکی از قیدهایی که باید در فرآیند انتخاب طرح‌ها مورد توجه قرار بگیرد، قید بازدهی داشتن طرح است. طرح‌هایی باید تأمین مالی شوند که دولت بتواند همه یا بخشی از هزینه خود را فروش خدمات تأمین کند.

ویژگی‌های اوراق مشارکت

این اوراق حتماً باید دارای نرخ سود ثابت مشخصی باشد. با توجه به نرخ تورم و نرخ‌های مؤثر سود بانکی و با توجه به اهمیت تکمیل فریدولتی صورت نمی‌گیرد و در این بخش‌ها صرفاً به مواردی استثنائی توان اشاره کرد. در واقع رویکرد به تأمین مالی طرح‌های زیرساختی هیچ‌گاه به عنوان یک امر ملی و عمومی توجه نشده است. در دوره‌هایی اوراق مشارکت‌هایی منتشر می‌شد که با

اخبار ۳

است در آینده بسازند، کمتر نشان می‌دهند. به زبان ساده چون جایگزین بدون ریسکی مثل بانک وجود دارد که سود بالایی می‌دهد، ارزش سرمایه‌گذاری در آینده شرکت‌ها روی کاغذ افت می‌کند. در نتیجه ارزش ذاتی سهام کاهش یافته و تمایل به خرید کم می‌شود و شاخص بورس و نسبت P/E پایین می‌آید. در کنار این عوامل منفی یک نکته مثبت هم وجود دارد. آن‌تجاکه در شرایط تورمی قیمت کالاها یا کارخانه‌ها گران تر می‌شود و ارزش خود کارخانه‌ها و تجهیزاتشان نیز بالا می‌رود، این رشد می‌تواند مثل یک موتور محرک عمل کند و بعد از مدتی جلوی ریزش شدید بورس را بگیرد و اثرات منفی سود بانکی را تا حدی خنثی کند.

ملاحظات اجرایی و ریسک‌های ساختاری سیاست‌های انقباضی
اجرای سیاست افزایش نرخ سود با ملاحظات و ریسک‌های عمیقی همراه است که نادیده گرفتن آن‌ها می‌تواند اثرات معکوس به بار آورد. بزرگ‌ترین ملاحظه در این بخش وضعیت ترانزنامه و ناترازی شدید شبکه بانکی است. افزایش نرخ سود سپرده‌ها، هزینه‌های سود پرداختی بانک‌ها را به سرعت بالا می‌برد، در حالی که درآمدهای حاصل از تسهیلات به دلیل قفل بودن دارایی‌ها یا رکود اقتصادی با همان سرعت رشد نمی‌کند. این شکاف عمیق به ناترازی بیشتر بانک‌ها دامن زده و در بلندمدت منجر به خلق پول درون‌زا و رشد نقدینگی از محل سود سپرده‌ها می‌شود.

ملاحظه دیگر خطر تشدید رکود در بخش حقیقی اقتصاد است؛ جایی که صنایع تولیدی به دلیل نرخ‌های بالای تسهیلات، توان تأمین سسرمایه در گردش خود را از دست داده و دچار افت تولید می‌شوند که این پدیده خود تورم جدیدی را از سمت عرضه به وجود می‌آورد.

راهکارهای جایگزین و مکمل برای مدیریت پولی

با توجه به محدودیت‌های ابزار نرخ بهره در اقتصادهای مبتنی بر ساختارهای تورمی، کارشناسان بر لزوم به‌کارگیری راهکارهای تکمیلی و جایگزین تأکید دارند. نخستین راهکار، ابزار کنترل

مقداری رشد ترانزنامه بانک‌ها است که بدون نیاز به تغییر نرخ سود، به طور مستقیم سقف خلق پول توسط بانک‌های ناتراز را محدود می‌کند. راهکار دیگر، توسعه و تعقیق عملیات بازار باز از طریق خرید و فروش اوراق بدهی دولتی است که به بانک مرکزی اجازه می‌دهد تا نرخ سود بین بانکی را به صورت پهنه‌تر و بدون ایجاد شوک به سپرده‌های خرد مدیریت کند. در نهایت هدایت هدفمند نقدینگی از طریق ابزارهای نوین تأمین مالی زنجیره‌ای مانند گواهی اعتبار مولد (کام) و انتشار گواهی‌های سپرده خاص برای پروژه‌های پیش‌شان و زیرساختی می‌تواند نقدینگی را مستقیماً به بخش تولید متصل کند؛ امری که علاوه بر کنترل تورم از سمت تقاضا با تقویت سمت عرضه و رونق تولید، ثبات پایدارتری را برای اقتصاد و بازار سرمایه به همراه دارد.

باتوجه به محدودیت‌های ابزار نرخ بهره در اقتصادهای مبتنی بر ساختارهای تورمی، کارشناسان بر لزوم به‌کارگیری راهکارهای تکمیلی و جایگزین تأکید دارند. نخستین راهکار، ابزار کنترل مقداری رشد ترانزنامه بانک‌ها است که بدون نیاز به تغییر نرخ سود، به طور مستقیم سقف خلق پول توسط بانک‌های ناتراز را محدود می‌کند.

کاهش ۳۵ میلیارد دلاری قاچاق با استقرار نظام «حکمرانی ریال»

نماینده مجلس شورای اسلامی: وظیفه حاکمیت، هدایت سرمایه‌های خُرد به سمت تولید و جلوگیری از سوداگری است. این هدف تنها از طریق استقرار نظام جامع حکمرانی ریال و شفافیت تراکنش‌ها محقق می‌شود.

مصطفی طاهری، رئیس کمیته کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی در نشست «جمع‌سپاری مالی برای بازاریابی ایران پس از جنگ» با نقد بر عملکردهای گذشته در حوزه مردمی‌سازی اقتصاد بر ضرورت تغییر پارادایم تأمین مالی و استقرار شفافیت سیستمی تأکید کرد. او معتقد است که بدون مدل عملیاتی واحد و شفافیت تراکنش‌ها، اهداف بزرگ اقتصادی کشور محقق نخواهد شد.

عضو کمیسیون صنایع مجلس با اشاره به وفای مسئولان ارشد نظام برواژه اقتصاد مردمی اظهار داشت: علی‌رغم تأکیدات مستمر رهبری و رؤسای قوای مختلف، ماهنوز در تحقق این ایده فاقد یک مدل عملیاتی موفق هستیم. تجربه‌های چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که نه بخش تعاون توانسته انتظارات را برآورده کند و نه طرح‌هایی مانند سهام عدالت.

وی افزود: بخش تعاون امروز به یکی از کانون‌های تابشت برونده‌های قضایی تبدیل شده و سوسام عدالت نیز منجر به پیدایش شرکت‌هایی با مدیریت غیرپاسخگو و ضعف شدید نظارتی شده است. ریشه این مشکل در ابهام ذهنی برخی حکمرانان است که میزان اعتماد به حاکمیت، هدایت سرمایه‌های خُرد به سمت تولید و جلوگیری از سوداگری است. این هدف تنها از طریق استقرار نظام جامع حکمرانی ریال و شفافیت تراکنش‌ها محقق می‌شود. طاهری تشریح کرد:

این نظام بر پایه ۶ قانون کلیدی از جمله قوانین مالیاتی و مبارزه با پولشویی استوار است. با صدور صورت‌حساب الکترونیکی در تمامی مبادلات دارایی‌ها شامل نقدینگی، خودرو و املاک، می‌توان قاچاق کالا را تا ۲۵ تا ۳۵ میلیارد دلار کاهش داد و بازار از یارانه‌ها رها به شکی هوشمند مدیریت کرد. ضرورت عزم ریاست‌جمهوری برای هماهنگی بین دستگاهی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در پایان خاطرنشان کرد: تحقق این زیرساخت هوشمند گذار از اقتصاد سنتی، نیازمند یک فرماندهی واحد در سطح ریاست‌جمهوری است تا دستگاه‌های ذی‌ربط را برای هماهنگی در تحلیل داده‌ها و شفافیت اقتصادی هماه‌راستا کند. تنها در این صورت است که موتور اقتصاد ایران در مسیر صحیح خود قرار خواهد گرفت.



مطالبه مردم برای پایان گرانی‌فروشی نان بعد از افزایش قیمت‌ها

✂ با اعمال قیمت جدید نان در تهران، مردم انتظار دارند نانوایی‌ها نرخ مصوب را رعایت کنند و شاهد گرانی‌فروشی نباشیم. در حالی که از دوشنبه هفته گذشته، قیمت‌های جدید روی دستگاه‌های نانوایی در نانوایی‌های استان تهران اعمال شده است، بهای انواع نان نیز رسماً مشخص شد. براین اساس، قیمت نان لواش ۴ هزار و ۷۰۰ تومان، بربری ۱۰ هزار تومان و سنگک ۱۵ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شده است. این تغییر قیمت در شرایطی رخ داده که برخی نانوایان پیش از اعلام رسمی نرخ‌های جدید، اقدام به افزایش قیمت نان کرده بودند؛ موضوعی که در ماه‌های گذشته نارضایتی بخشی از شهروندان را به دنبال داشت. حال با ابلاغ رسمی نرخ‌ها، انتظار می‌رود واحدهای صنفی از قیمت‌های مصوب تبعیت کنند و با اعمال نظرات‌های سفت و سخت دیگر شاهد فروشی نان با نرخ‌های بالاتر از مصوب نباشیم. مقایسه قیمت‌های جدید با مراداد سال گذشته نشان می‌دهد بهای نان در مدت یک سال رشد قابل توجهی داشته است. در مراداد سال گذشته، نان بربری ساده ۴ هزار و ۶۰۰ تومان، تافتون ۲ هزار و ۲۰۰ تومان و لواش یک هزار و ۲۵۰ تومان قیمت گذاری شده بود. این در حالی است که نرخ‌های تازه، افزایش محسوس هزینه نان را برای خانوارها نشان می‌دهد. در همین زمینه، غلامرضا نوری فرقلجه وزیر جهاد کشاورزی پیش‌تر با اشاره به یارانه نان گفته بود: حدود ۵۰۰ همت اعتبار برای یارانه نان در بودجه پیش‌بینی شده و قیمت گندم نیز ۴۸ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شده است، در حالی که این محصول با نرخ یارانه‌ای در اختیار زنجیره‌آرد و نانوایی‌ها قرار می‌گیرد. وی همچنین تصریح کرده بود: اصلاح نظام یارانه‌ها و انتقال آن به شکل کالابرق در حال بررسی کارشناسی است، اما هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده است. با اجرای نرخ‌های جدید، حال نگاه‌ها به نانوایی‌ها دوخته شده است تا مشخص شود این افزایش رسمی قیمت، به ساماندهی بازار نان و کاهش تخلفات قیمتی منجر خواهد شد یا خیر.

چرخ خودرو در باتلاق انحصار

✂ با توجه به این که مصرف‌کنندگان زیر فشار گرانی‌های اخیر کمر خم کرده‌اند، برخی از کارشناسان صنعت خودرو بر این موضوع تأکید می‌کنند که سایه شوم انحصار و وابستگی اریز، باعث شده‌اند تولید خودرو به جای حرکت به سمت داخلی‌سازی، در مسیر مونتاژگرانی گران قیمت باقی بماند. خودرویی از صنایعی است که در سال‌های اخیر در ایران، همواره در کانون توجه افکار عمومی و نهادهای نظارتی قرار داشته است؛ صنعتی که به عنوان یکی از پیشران‌های اقتصادی، اکنون با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده و درهم‌تنیده‌ست به‌گریبان است. از یک سو، نوسانات ارزی و افزایش هزینه‌های تأمین مواد اولیه، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده‌اند و از سوی دیگر، ساختار انحصاری بازار، بستری برای بروز بی‌اعتمادی و نارضایتی مصرف‌کنندگان فراهم‌آورد است.

برخی از کارشناسی‌های صنعت خودرو، ریشه‌های گرانی‌های اخیر را فراتر از عوامل ظاهری دانسته‌اند و آن را معلول محدودیت‌های لجستیکی، ناترازی انرژی و به‌ویژه وابستگی شدید تولید به ازی می‌دانند و در این میان، آن‌چه بیش از پیش خودنمایی می‌کند، رشد شاخص تمرکز در بازار خودرو است؛ به طوری که با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته برای کاهش انحصار از طریق تقویت بخش خصوصی و مونتاژگران، چالش‌های کلان اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های نادرست، بار دیگر کفه ترازو را به سمت تمرکزگرایی و کاهش عمق داخلی‌سازی سنگین کرده‌اند. موضوعاتی که درمورد صنعت خودرو مهم هستند سهم بالای ارزیبر در تولیدات جدید، ضعف در فرآیندهای داخلی‌سازی و ضرورت بازنگری در مدل‌های تنظیم‌گری دولت هستند و در شرایطی که صنعت خودرو با بحران ارزی و ریسک توقف تولید روبه‌روست، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان با عبور از انحصار و اصلاح سیاست‌های ارزی، همزمان ضمن حفظ بقای این صنعت، از حقوق مصرف‌کننده در برابر قیمت‌های رویه‌رشد محافظت کرد؟ ابراهیم شجاعت، کارشناس صنعت خودرو درمورد عوامل افزایش قیمت خودرو گفت: از اواخر سال گذشته، خودروسازان در دو محور تأمین مواد اولیه خودو قیمت ارز با چالش‌ها و افزایش‌هایی روبه‌رو شدند.

شجاعت ادامه داد: فرمول محاسبه قیمت خودرو در ایران به صورت هزینه تمام‌شده است؛ یعنی خودروسازان فاکتورهای خریدی که از قطعه‌سازان دارند را به سازمان حمایت ارائه داده‌اند و این سازمان پس از محاسبه‌ها و تعدیل‌هایی که دارد قیمت نهایی را به خودروسازان اعلام می‌کند و خودروسازان هم در این فرآیند، قیمت‌های خود را اعلام می‌کنند.

این کارشناس صنعت خودرو گفت: واقعیت این است که در این مدت به‌ویژه بعد از عبید، محدودیت‌های لجستیکی وجود دارد و این محدودیت‌ها در افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل بار سنگین‌تر از برروش خودروسازان گذشته و خودروسازان را مجبور کرده است که قیمت‌ها را افزایش دهند. هرچند که این افزایش قیمت‌ها به حدی بود که شاید خودروسازان نیز تمایلی به افزایش قیمت نداشتند، اما در حال حاضر، شرایط به صورتی است که این قیمت‌ها ثبت شده‌اند. شجاعت بیان کرد: شرایط اقتصادی کشور در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در صنعت خودرو و قطعه‌سازی به صورتی است که اغلب بازارهایی که در چنین حوزه‌هایی داریم بازارهای ساختار یافته و انحصاری هستند و زمانی که شاخص‌های مشخص در اقتصاد را برای بازار خودرو و قطعه‌های خودرو محاسبه می‌کنیم متوجه می‌شویم که همه این بازارها انحصاری هستند و ساختار اقتصاد کشور در دوده‌ها اخیر به صورتی پیش‌رفته است که به بازارهای انحصاری و ساختار یافته‌ی آن‌ها دامن زده و انحصار بیشتر شده است و با وجود این که از سال ۱۴۰۰ شرایط به صورتی پیش رفت که سهم مونتاژکارها بیشتر می‌شد و انحصارگرایی کاهش پیدا می‌کرد، اما با توجه به چالش‌هایی مثل تأمین ارز، جنگ تحمیلی و ناترازی انرژی که در سال گذشته داشته‌ایم محاسبه‌ها نشان می‌دهند که این شاخص رشد چشمگیری داشته و بازار متمرکزتر شده است. این کارشناس صنعت خودرو ادامه داد: وقتی که مجموعه‌های انحصارگر داشته باشیم همیشه احتمال سوءاستفاده از موقعیتی وجود دارد که ناشی از تسلط آن‌ها بر بازار است و پیدا کردن این سوءاستفاده‌ها به وسیله نهادهای دولتی و نظارتی به راحتی نیست و همه این‌ها باعث می‌شوند که نبود اطمینان در جامعه بیشتر شود؛ زیرا مردم قیمت‌های خودرو در داخل کشور و خارج از کشور را مقایسه می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که انحصارگرایی و سوءاستفاده وجود دارد.

■ شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ ■ ۱۲ محرم ۱۴۴۸ ■ ۲۷ June ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۴۹۲

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۳۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



دوره بازسازی؛ فرصتی برای کاهش وابستگی ۹۶ درصدی فناوری پتروشیمی

گزارش

محمد امین کارگر

✂ با وجود فعالیت بیش از ۱۷۰۰ شرکت دانش‌بنیان و سازنده داخلی در صنعت پتروشیمی، نبود بازار پایدار و سرمایه‌گذاری خطرپذیر موجب شده است وابستگی فناوری صنعت پتروشیمی به منابع خارجی حدود ۹۶ درصد باقی بماند. این سطح از وابستگی در شرایط تحریم، ریسک تأمین پشتیبانی و به‌روزرسانی فناوری را افزایش می‌دهد. از این رو، دوره بازسازی پس از جنگ رمضان می‌تواند با اقدامات بیهنه تنظیم‌گری، تأمین مالی خطرپذیر توسعه فناوری داخلی، الزام پیوست فناوری در قراردادهای وارداتی، مشوق‌های مالیاتی و بیمه‌های تخصصی،

به فرصتی برای انتقال دانش فنی و کاهش این وابستگی در بلندمدت تبدیل شود. ظرفیت اسمی تولید صنعت پتروشیمی ایران پس از پیروزی انقلاب از ۳ میلیون تن به ۱۰ میلیون تن رسیده است. این درحالی است که صنعت پتروشیمی در تأمین ۹۶ درصد از فناوری‌ها و لایسنس‌های موجود، به خارج از کشور وابستگی دارد. در شرایط تحریم، وابستگی این صنعت به خارج از کشور، منجر به کاهش تاب‌آوری و ضعف در مقاومت‌سازی اقتصاد می‌شود. توسعه فناوری در داخل به منظور کاهش وابستگی به خارج در تأمین تجهیزات، فناوری و همچنین در جهت افزایش تاب‌آوری و مقاومت‌سازی اقتصاد مورد اهمیت است.

وابستگی ۹۶ درصدی توسعه فناوری در صنعت پتروشیمی به خارج از کشور
بررسی ساختار فناوری صنعت پتروشیمی ایران نشان می‌دهد

”

اولویت غذایی در اقتصاد مقاومتی؛

از خودکفایی تا اصلاح بازار کشاورزی

✂ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با تأکید بر امنیت غذایی، افزایش تولید و اصلاح توزیع، مسیر تاب‌آوری را ترسیم می‌کند.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که به عنوان نقشه راه تاب‌آوری اقتصاد کشور تدوین شده‌اند، در حوزه کشاورزی تمرکز ویژه‌ای بر امنیت غذایی، افزایش تولید داخلی و اصلاح سازوکارهای بازار دارند.

مرور بندهای این سیاست‌ها نشان می‌دهد که کشاورزی صرفاً یک بخش اقتصادی نیست، بلکه مستقیماً با امنیت ملی، ثبات اجتماعی و استقلال اقتصادی کشور گره خورده است. در این چارچوب، تأمین پایدار غذا، افزایش تولید نهادهای راهبردی و اصلاح نظام توزیع و قیمت‌گذاری در اولویت نخست قرار گرفته‌اند؛ مسائلی که در سال‌های اخیر با چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، وابستگی به واردات برخی نهاده‌ها و نوسانات بازار بیش از گذشته اهمیت یافته‌اند.

اولویت اول: امنیت غذایی؛ مهم‌ترین مأموریت بخش کشاورزی

در میان بندهای مرتبط با کشاورزی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی به عنوان مهم‌ترین اولویت مطرح شده است. این بند به روشنی نشان می‌دهد که سیاست‌گذار نگاه راهبردی به تأمین غذا دارد و آن را هم‌سنگ سایر مؤلفه‌های امنیت ملی می‌داند. امنیت غذایی زمانی تحقق می‌یابد که همه مردم در همه زمان‌ها به‌غای کافی، سالم، و قابل دسترس دسترسی داشته باشند. در شرایطی که بازارهای جهانی غذا نوسانات شدید، محدودیت‌های صادراتی و تحولات ژئوپلیتیکی مواجه‌اند، اتکای بیش از حد به واردات می‌تواند کشورها را در معرض آسیب‌پذیری جدی قرار دهد. از همین رو، اقتصاد مقاومتی بر ایجاد ذخایر راهبردی کالاهای اساسی تأکید می‌کند تا در شرایط بحران، جنگ اقتصادی یا اختلال در تجارت جهانی، دسترسی کشور به مواد غذایی حیاتی دچار مشکل نشود. در ایران، ذخایر راهبردی معمولاً شامل کالاهایی مانند گندم، برنج، روغن، شکر و نهاده‌های

موجود، بیش از ۱۷۰۰ شرکت دانش‌بنیان و سازندگان داخلی با

صنایع پتروشیمی همکاری داشته و در توسعه فناوری در صنعت پتروشیمی فعالیت می‌کنند. بخش مهمی از این همکاری‌ها در حوزه‌هایی مانند تولید و بومی‌سازی کاتالیست‌ها، ساخت برخی تجهیزات و ارائه خدمات فنی و مهندسی متمرکز بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مسئله اصلی کمبود دانش نیست، بلکه ضعف سازگارهایی است که بتواند دانش تولیدشده را به فناوری صنعتی تبدیل کند. در بسیاری از موارد، فناوری بهره‌برداری، مهندسی تفصیلی یا بومی‌سازی محدود شکل گرفته است.

از نظر جغرافیای تأمین فناوری نیز تمرکز بالایی بر منابع غربی وجود دارد. طبق آمارهای موجود، ۲۱۷ مورد از لایسنس‌ها از اروپا، ۴۸ مورد از آسیا، ۳۶ مورد از آمریکای شمالی و تنها یک مورد از آمریکا جنوبی تأمین شده است. لذا علاوه بر مسئله وارداتی

بودن فناوری در صنعت پتروشیمی، با یاستی به تمرکز واردات فعلی از کشورهای محدود خارجی و همسوا با تحریم‌ها توجه شود. این وضعیت در شرایط تحریم، ریسک توسعه، به‌روزرسانی و پشتیبانی فنی واحدهای پتروشیمی علی‌الخصوص در دوره بازسازی و جنگ را افزایش می‌دهد و ضرورت تنوع بخشی به شرکای فناوریانه و حرکت از خرید لایسنس به انتقال واقعی دانش فنی و توسعه دانش فنی بومی را برجسته می‌کند.

ظرفیت دانش بنیان‌ها در پتروشیمی، معطل تجاری‌سازی است
در نگاه نخست ممکن است وابستگی بالای صنعت پتروشیمی به فناوری‌های خارجی، نشانه‌ای از ضعف علمی یا فقدان توان فناوریانه در داخل کشور تلقی شود، ولی شواهد موجود، چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند. طی سال‌های اخیر، ظرفیت‌های قابل توجهی در زیرسوت فناوری کشور شکل گرفته و بر اساس آمار

تولیدکننده است، تقویت بومی‌سازی کالایی، کوتاه

بودن فناوری در صنعت پتروشیمی، با یاستی به تمرکز واردات فعلی از کشورهای محدود خارجی و همسوا با تحریم‌ها توجه شود. این وضعیت در شرایط تحریم، ریسک توسعه، به‌روزرسانی و پشتیبانی فنی واحدهای پتروشیمی علی‌الخصوص در دوره بازسازی و جنگ را افزایش می‌دهد و ضرورت تنوع بخشی به شرکای فناوریانه و حرکت از خرید لایسنس به انتقال واقعی دانش فنی و توسعه دانش فنی بومی را برجسته می‌کند.

ظرفیت دانش بنیان‌ها در پتروشیمی، معطل تجاری‌سازی است
در نگاه نخست ممکن است وابستگی بالای صنعت پتروشیمی به فناوری‌های خارجی، نشانه‌ای از ضعف علمی یا فقدان توان فناوریانه در داخل کشور تلقی شود، ولی شواهد موجود، چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند. طی سال‌های اخیر، ظرفیت‌های قابل توجهی در زیرسوت فناوری کشور شکل گرفته و بر اساس آمار تولیدکننده است، تقویت بومی‌سازی کالایی، کوتاه

مورد توجه قرار دهند. در بسیاری از موارد، فاصله قابل توجهی میان قیمت محصول در مزرعه و قیمت آن در بازار مصرف وجود دارد. این فاصله نه تنها به زیان کشاورها در بازار غلات یا اختلال در زنجیره تأمین جهانی می‌تواند قیمت‌ها را به سرعت افزایش دهد، دسترسی کشورها به کالاهای اساسی را دشوار کند. در این میان، گندم به عنوان مهم‌ترین محصول استراتژیک جایگاه ویژه‌ای دارد. خودکفایی در تولید گندم طی سال‌های مختلف به عنوان یک هدف مهم سیاست‌گذار مطرح بوده و در برخی دوره‌ها نیز محقق شده است. در کنار آن، تولید دانه‌های روغنی و نهاده‌های دامی نیز از جمله حوزه‌هایی است که افزایش ظرفیت داخلی در آنها می‌تواند وابستگی ارزی کشور کاهش دهد.

افزون بر این، توسعه تولید بذره‌های اصلاح‌شده و مقاوم نقش مهمی در افزایش بهره‌وری و کاهش ریسک‌های نوسانات شدید، محدودیت‌های صادراتی و تحولات ژئوپلیتیکی مواجه‌اند. اتکای بیش از حد به واردات می‌تواند کشورها را در معرض آسیب‌پذیری جدی قرار دهد. از همین رو، اقتصاد مقاومتی بر ایجاد اصلاح نظام توزیع، حلقه مفقود در بازار محصولات کشاورزی

یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است. یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است. یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است. یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است.

یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است. یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است. یکی از چالش‌های قدیمی بخش کشاورزی ایران، ناکارآمدی نظام توزیع و قیمت‌گذاری محصولات است.

همچنین، یکی از موانع جدی پیش روی توسعه فناوری در صنعت پتروشیمی، ریسک بالای آن در این صنعت سرمایه‌بر است. مدیران مجتمع‌ها ترجیح می‌دهند از فناوری‌هایی استفاده کنند که عملکرد آن‌ها اثبات شده باشد، لذا به واردات فناوری روی می‌آورند. در چنین شرایطی، تنظیم‌گر باید با ایجاد مکانیسم‌های کاهش خطر تولیدکنندگان» و «حمایت از تشکیل بیمه‌های تخصصی و ارائه پوشش‌های بیمه‌ای خاص» گامی مؤثر در جهت پوشش ریسک فناوری بردارد. «بیمه‌های تخصصی فناوری» ریسک‌هایی مانند عملکرد ناموفق فناوری در مقیاس صنعتی یا عدم پذیرش بازار را پوشش می‌دهند.

علاوه بر موارد مطرح شده، از مهم‌ترین نقش‌های تنظیم‌گر در صنعت پتروشیمی، الزام به «پیاده‌سازی پیوست فناوری در قراردادهای بین‌المللی و طرح‌های مهم ملی» است. «پیوست فناوری» به این معناست که در قراردادهای واردات یا همکاری با شرکت‌های خارجی، تأمین‌کننده خارجی موظف شود بخشی از دانش فنی، مهندسی، ساخت یا تعمیر و نگهداری محصول را به شرکت‌های داخلی منتقل کند. این الزام از واردات صرف و بدون انتقال دانش جلوگیری می‌کند.

دوره بازسازی؛ فرصتی برای توسعه فناوری و کاهش وابستگی

صنعت پتروشیمی ایران در شرایط کنونی، علاوه بر مواجهه با مسئله بازسازی، با سطح بالایی از وابستگی فناورانه روبه‌رو است. از این منظر، بازسازی نباید صرفاً به عنوان فرآیندی برای جایگزینی تجهیزات آسیب‌دیده یا بازگرداندن ظرفیت تولید به وضعیت پیشین تلقی شود، بلکه می‌تواند یک پروژه توسعه فناوری در صنعت پتروشیمی تعریف شود. در شرایطی که زمان طولانی تحویل تجهیزات در سراسر جهان، هزینه بالای فناوری‌های پیشرفته و محدودیت‌های ناشی از تحریم، اتکا به واردات را بر هزینه‌ها، زمان بروربر ریسک کرده است، تأمین تجهیزات و دانش فنی از کشورهای همسوا با ایران مشروط بر اینکه هر پروژه بازسازی، دارای پیوست مشخص انتقال فناوری شود، می‌تواند یکی از گزینه‌های قابل بررسی باشد. لذا بازسازی می‌تواند به فرصتی برای انتقال فناوری، توسعه دانش فنی، بومی‌سازی تجهیزات کلیدی و ارتقای توان سازندگان داخلی تبدیل شود تا در صورت بروز مجدد اختلالات احتمالی، نیازی به اتکای توان خارجی نباشد.

به بیان دیگر، منابع مالی بازسازی نباید صرفاً به واردات تجهیزات و خدمات خارجی منتهی شود، بلکه باید بخشی از آن به ایجاد ظرفیت فناورانه پایدار در داخل کشور اختصاص یابد. در غیر این صورت، بودجه بازسازی مصرف خواهد شد، اما وابستگی فناورانه صنعت کاهش نخواهد یافت و فرصت شکل‌گیری توان صنعتی جدید از دست می‌رود.

در واقع دوره بازسازی فرصتی مهم برای نهاد تنظیم‌گراست تا با بازنگری در تجربه‌های گذشته، الگوی تأمین و توسعه فناوری در صنعت پتروشیمی را اصلاح کند. این اصلاح، پیش از هر چیز نیازمند تغییر نگرش به مقوله توسعه فناوری است؛ به این معنا که فناوری نباید صرفاً

به عنوان کالایی وارداتی دیده شود، بلکه باید به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری صنعتی و ارتقای توان داخلی مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، الزام پیوست فناوری در قراردادهای خارجی، طراحی مشوق‌های مالیاتی و مالی برای شرکت‌ها توسعه‌دهنده فناوری، تدوین استانداردها و الزامات فنی لازم و اتصال هدفمند ظرفیت علمی و فناورانه کشور به نیازهای واقعی صنعت پتروشیمی، می‌تواند مسیر بازسازی را به بستری برای تقویت بلندمدت صنعت تبدیل کند.

”

یکی از مهم‌ترین نقش‌های تنظیم‌گر، تبدیل توسعه فناوری از یک انتخاب اختیاری به یک ضرورت اقتصادی است. تنظیم‌گر نقش فعال خود می‌تواند زمینه‌های ایجاد بازار پایدار برای محصولات فناورانه داخلی را فراهم آورد. «بازنگری قوانین مالیاتی / ارزی» و «سیاست‌های تضمین خرید، از جمله ابزارهایی هستند که تنظیم‌گرا از طریق آن‌ها تقاضای مؤثر برای فناوری‌های بومی ایجاد می‌کند.

مدیریت مصرف و ترویج استفاده از کالاهای داخلی است. در حوزه کشاورزی، این سیاست به معنای حمایت از مصرف محصولات تولید داخل و کاهش وابستگی به واردات است.

فرهنگ‌سازی در مصرف، اطلاع‌رسانی درباره کیفیت محصولات داخلی و ایجاد اعتماد در میان مصرف‌کنندگان می‌تواند نقش مهمی در تقویت بازار داخلی محصولات کشاورزی ایفا کند. در کنار این اقدامات، ثبات در تولید و کیفیت محصولات نیز عوامل مهمی در افزایش استقبال مصرف‌کنندگان از کالاهای داخلی خواهد بود.

اولویت سوم: عدالت در زنجیره تولید تا مصرف

یکی از چالش‌های ساختاری بخش کشاورزی، عدم توازن در سهم‌بری عوامل مختلف در زنجیره تولید تا مصرف است. در بسیاری از موارد، سهم کشاورزان از ارزش نهایی محصول بسیار کمتر از سایر حلقه‌های زنجیره است. این مسئله نه تنها انگیزه تولید را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز منجر شود. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با تأکید بر سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف تلاش دارند این عدم توازن را اصلاح کنند.

تقویت تشکل‌های کشاورزی، توسعه قراردادهای مستقیم میان تولیدکنندگان و خریداران و ایجاد بازارهای شفاف می‌تواند به تحقق این هدف کمک کند.

استانداردسازی محصولات؛ شرط رقابت در بازارهای داخلی و جهانی

افزایش پوشش استانداردها برای محصولات داخلی یکی دیگر از محورهای مورد تأکید اقتصاد مقاومتی در بخش کشاورزی است. استانداردها نه تنها به ارتقای کیفیت محصولات کمک می‌کند، بلکه امکان حضور در بازارهای صادراتی را نیز فراهم می‌سازد. امروزه بسیاری از بازارهای جهانی مقررات سخت‌گیرانه‌ای در زمینه سلامت و کیفیت محصولات غذایی دارند؛ بنابراین توسعه نظام استاندارد و نظارت کیفی می‌تواند به افزایش اعتماد مصرف‌کنندگان و گسترش صادرات محصولات کشاورزی منجر شود.